

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هفتم ♦ شماره ۱۳ ♦ بهار و تابستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱ ♦ صفحات: ۶۹-۹۲

حکومت دینی در اندیشه سید قطب از تئوری تا عمل

رسول عبدالمهی*

محمد باقر مظفری**

چکیده

برپایی حکومت اسلامی، همواره به‌عنوان آرمان بسیاری از اندیشمندان اسلامی شناخته می‌شود. سید قطب در این میان با ارائه نظریه جامعه جاهلی و لزوم دگرگونی آن به‌منظور نیل به حکومت اسلامی، تأثیر بسزایی بر گروه‌های رادیکال و جهادی معاصر دارد. مقاله پیش رو به بررسی و نقد اندیشه سید قطب در باب چگونگی ایجاد حکومت دینی می‌پردازد. نویسندگان بسیاری به بررسی و نقد اندیشه‌های سید قطب پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک تا به حال، استراتژی سید قطب در باب وصول به حکومت دینی را مورد توجه قرار نداده و از زاویه چگونگی ایجاد حکومت اسلامی، اندیشه‌های وی را بررسی نکرده‌اند. تحقیق پیش رو با بررسی استراتژی سید قطب و روش‌شناسی او در ایجاد حکومت اسلامی، به تقریر گفتمان وی در سه محور جامعه الگو، جامعه جاهلی و راه مقابله با آن و ایجاد حکومت دینی با تأکید بر جهاد نظامی پرداخته و ضمن نقد منطقی و تاریخی رکن اول و رکن دوم و همچنین نقد قرآنی، روایی و جامعه‌شناختی رکن سوم به این نتیجه می‌رسد که بر اساس آیات قرآن، مسیر صحیح دستیابی به حکومت دینی از طریق ایجاد انقلاب درونی احاد افراد جامعه شروع می‌شود و با منتهی شدن به انقلاب فرهنگی جامعه، زمینه برپایی حکومت دینی به دست افراد جامعه - نه قوای نظامی - حاصل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سید قطب، جامعه جاهلی، جامعه اسلامی، جهاد، حکومت دینی.

* استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه؛ r.abdollahi140@gmail.com

** کارشناسی ارشد کلام اسلامی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)؛ baghermozafari14@gmail.com

مقدمه

نیل به حکومت اسلامی، همواره مدنظر اندیشمندان قرون گذشته به ویژه پنج سده اخیر بوده است. انحطاط مسلمین در دوره معاصر، سبب دغدغه متفکرین مسلمان به منظور یافتن راهی به سوی عزت دینی شده است. صاحب نظران بسیاری از تمامی مذاهب اسلامی در این مسیر، قلم زده و راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند. در این میان، سید قطب، به عنوان ایدئولوگ جریان اخوان المسلمین، در آثار خویش به ترسیم تصویر حکومت اسلامی و ضرورت ایجاد آن توسط مسلمین پرداخته است. وی در آثار متعدد خویش از جمله تفسیر فی ظلال القرآن، العدالة الاجتماعیه فی الاسلام، خصائص التصور الاسلامی و مهم ترین اثر او با نام معالم فی الطریق که به مانیفست گروه های جهادی معروف است، به تبیین جایگاه حکومت الهی و همچنین انگیزه بخشی و ترغیب وصول به آن می پردازد.

سیر کلی اندیشه سید قطب درباره ایجاد حکومت دینی را می توان در سه رکن اصلی خلاصه کرد:

الف. تعیین جامعه ایمانی صدر اسلام و صحابه رسول الله ﷺ به عنوان الگوی جوامع و لزوم هماهنگی خط مشی کنونی مسلمین با آن الگو؛^۱

ب. تقسیم جوامع به دو دسته: جامعه اسلامی و جامعه جاهلی؛^۲

ج. لزوم مقابله با جوامع جاهلی و دگرگونی آنها، به کمک تبلیغ و حرکت های جهادی توأمان و توسط گروهی پیشتاز از مسلمین.^۳

وظیفه ایدئولوژیک سید قطب، خلق الگوهایی بود که بتواند بیداری اسلامی را به منظور استقرار حاکمیت الله بر روی زمین افزایش دهد.^۴ تحت تأثیر این نظریات سید قطب، تشکلهای مختلفی به وجود آمد که وجه مشترک تمامی آنها اعتقاد به ضرورت تغییر اوضاع از راه جهاد و زور بود.^۵ در این میان، نقش ضعف و وادادگی حکومت های اسلامی

۱. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. دکمجان، هرایر، اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۱۶۸.

۵. فرمانیان، مهدی، سلفیه از گذشته تا حال، ص ۲۷۵.



و همچنین هجوم اندیشه‌های کمونیستی و سوسیالیستی را در پیدایش اندیشه‌های سید قطب و همفکران او نباید نادیده گرفت.

ناگفته نماند در برداشت از تفکرات سید قطب نیز اختلافاتی در میان طرفدارانش دیده می‌شود که همین امر، اختلاف رویه در تحرکات و فعالیت‌های گروه‌های طرفدار را نیز در پی دارد؛^۱ اما به هر شکل، تفکرات سید قطب در مصر باقی نماند و در دیگر بلاد اسلامی گسترش یافت و به تدریج زمینه تشکیل گروه‌های جهادی با گرایش‌های افراطی را پدید آورد. از عبدالله عزّام و پس از او اسامه بن لادن به‌عنوان رهبران این گروه‌ها می‌توان نام برد.^۲ عبدالله عزّام یکی از بنیان‌گذاران القاعده می‌گوید: «من در فکر از سید قطب، در فقه از نووی، در عقاید از ابن تیمیه و در روح از ابن قیم، تأثیر پذیرفته‌ام».^۳ پیتر برگن در کتاب اسامه بن لادن از قول جمال خلیفه از دوستان دانشگاهی بن لادن در عربستان می‌گوید: «وی و اسامه با محمد قطب (برادر سید قطب) در ارتباط بودند و خطابه‌هایی از او دریافت می‌کردند».^۴

مسئله مبهم بحث این است که آیا خود سید قطب نیز موافق این تفکرات تندروانه تکفیریون پس از خود بوده یا اینکه سوءبرداشت ایجاد شده به سبب ابهام موجود در بیان وی منجر به پیدایش چنین گروه‌هایی شده است؟^۵ برخلاف ظاهر نوشته‌های سید قطب، اطرافیان وی از جمله زینب الغزالی و محمد قطب، معتقدند او صراحتاً اعلام کرده، هیچ‌گاه قصد تکفیر مسلمانان را نداشته است.^۶ سید قطب در اعترافات خویش تصریح می‌کند به هیچ‌عنوان قصد تکفیر مسلمین را نداشته و روی سخنش، حکومت مسلط بر جامعه بوده نه افراد عادی؛^۷ البته ناگفته نماند جنبش‌های تکفیری الهام‌گرفته از تفکرات سید قطب، بیش از آنکه خود را وامدار اندیشه‌های او بدانند، مدیون تفکرات اقطاب تکفیر، نظیر ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب و همچنین حمایت‌های جریان وهابی - سعودی هستند.

۱. محمودیان، محمد، بنیادهای فکری القاعده، ص ۱۴۳.

۲. فرمانیان، مهدی، سلفیه از گذشته تا حال، ص ۲۷۷.

۳. عبدالرحیم، علی، حلف الارهاب تنظیم القاعده من عبدالله عزّام الی ایمن الظواهری، ج ۱، ص ۲۲.

۴. برگن، پیتر، اسامه بن لادن، ص ۶۵.

۵. صاحبی، محمدجواد، جنبش‌های فکری و دینی در جهان اسلامی معاصر، ص ۶۴۷.

۶. خسروشاهی، سید هادی، «سید قطب و حرکت‌های تکفیری»، بعثت، ش ۲۰، ص ۴.

۷. همان.



به هر صورت با توجه به تأثیرگذاری تفکرات سید قطب به‌ویژه دیدگاه‌های وی در کتاب معالم فی الطريق بر جریان‌های ظلم‌ستیز، پیکارجو و بعضاً تکفیری و همچنین برداشت‌های متفاوت از افکار وی، تبیین، بررسی و نقد معتقدات او امری ضروری است.

مقاله پیش رو به بررسی و نقد اندیشه سید قطب در باب چگونگی ایجاد حکومت دینی می‌پردازد. نویسندگان بسیاری به بررسی، تبیین و بعضاً نقد اندیشه‌های سید قطب پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک تا به حال، استراتژی سید قطب در باب وصول به حکومت دینی را مورد توجه قرار نداده و از زاویه چگونگی ایجاد حکومت اسلامی، اندیشه‌های وی را بررسی نکرده‌اند. این مقاله در دو محور اصلی به نتیجه نهایی مدنظر خواهد رسید:

الف. تبیین سه رکن اصلی اندیشه قطب درباره برقراری حکومت دینی؛
ب. نقد ارکان اندیشه او و تبیین راهکار قرآنی برای زمینه‌سازی ایجاد حکومت دینی.

محور اول: تبیین و تقریر اندیشه‌های سید قطب

همان‌گونه که در مقدمه گذشت، اندیشه‌های سید قطب را می‌توان در سه رکن اصلی خلاصه کرد.

رکن اول: نسل الگو

سید قطب معتقد است، نسل اول صدر اسلام به‌واسطه اینکه تنها از سرچشمه وحی سیراب می‌شده و قرآن را به‌منظور عمل کردن، آموخته‌اند، تبدیل به نسلی ناب شدند که جاهلیت را پشت سر گذاشته و به دامان رسول اکرم ﷺ پناهنده شدند.^۱ او می‌گوید: «نسل اولیه مسلمانان، نسلی بی‌نظیر محسوب می‌شود که در تمام تاریخ بشریت، ممتاز است.»^۲ وی با بررسی وضعیت صدر اسلام و اوصاف مسلمانان اولیه به دنبال کسب دو نتیجه است. اول اینکه بگوید: زمان ما نیز همانند صدر اسلام، غرق در جاهلیت است.^۳ دوم اینکه: نسل اولیه مسلمانان را الگویی ناب برای جوامع کنونی، معرفی کند.^۱

۱. قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۹.



با این بیان که گروهی پیشتاز از مسلمین، موظف هستند خود را به آیین آن گروه نخست درآورده و همان‌گونه که آنان با جاهلیت عصر خویش درگیر شده و به ایجاد حکومت دینی اقدام کردند، هم‌اکنون نیز این گروه پیشتاز با مبارزه و درگیری با جاهلیت عصر خویش و سپس رهایی از این جاهلیت، به تشکیل حکومت اسلامی بپردازند.^۲

رکن دوم: تقسیم جوامع به اسلامی و جاهلی

یکی از ارکان اصلی تفکر سید قطب، تقسیم‌بندی جوامع به دو دسته جاهلی و اسلامی می‌باشد. این عقیده از آنجا قابل توجه است که دیگر نظرات سید قطب بر پایه همین رکن صورت می‌پذیرد. وی جوامع کنونی را به تبعیت از شرایط موجود در صدر اسلام به دو دسته تقسیم می‌کند: جامعه اسلامی و جامعه جاهلی. برای روشن شدن مقصود وی از جامعه جاهلی و تشخیص آن از جامعه اسلامی، باید به تعریف جاهلیت در نگاه سید قطب بپردازیم. «جاهلیت عبارت است از بندگی کردن انسان برای انسان؛ یعنی عده‌ای از انسان‌ها، برای دیگر افراد، احکام و قوانینی را تشریح کنند که خداوند اجازه‌اش را نداده باشد».^۳ در نگاه قطب، ریشه جاهلیت به حاکمیت و تنظیم قوانین غیر الهی بازمی‌گردد و تبعیت از این قوانین خودساخته، موجب اسارت بشریت در بند حکام قانون‌گذار می‌شود که او از این مسئله با عنوان «عبودیت الناس للناس» یاد می‌کند و این امر را شروع غصب حکومت الهی می‌داند.^۴ قطب معتقد است جاهلیت، در تشریح و تنظیم قوانین غیر الهی از سوی حاکمان و پیروی آن از سوی مردم، نمایان می‌شود.

پس از روشن شدن معنای جاهلیت در نگاه قطب، می‌توان به تعریف جامعه جاهلی نیز دست یافت. او جامعه جاهلی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر جامعه‌ای که عبودیت و بندگی خود را در بینش اعتقادی، شعائر تعبدی و در قانون‌گذاری به خداوند منحصر نگرداند، جاهلی است».^۵ در مقابل، جامعه اسلامی نیز جامعه‌ای است که

۱. همان، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. همان، ص ۱۴۲.

۴. همان، ص ۵۹.

۵. همان، ص ۸۶.



عقیده، عبادت، قانون، نظام، اخلاق و رفتار آن مطابق با اسلام باشد.^۱ او در نگاهی کلی، جوامع موجود را جامعه جاهلی می‌داند. وی در ابتدای کتاب معالم فی الطریق صراحتاً اعلام می‌کند: «انّ العالم یعیش الیوم کلّه فی الجاهلیّه»^۲ تمام جوامع کنونی بشری، در جاهلیت به سر می‌برند». او معتقد است جاهلیت موجود در حال حاضر، گسترده‌تر از جاهلیتی بود که نسل نخستین مسلمانان در صدر اسلام با آن درگیر بودند.

سید قطب در نگاهی سختگیرانه، تمییز بین جوامع اسلامی و جاهلی را این‌گونه بیان می‌کند:

جامعه اسلامی جامعه‌ای است که عبودیتِ الله در معتقدات و شعائر و رفتار و نظام اجتماعی و قانونی آنان نمایان باشد. حال اگر عبودیت از چهره هر کدام از این جوانب پاک شود، اسلام از آن جامعه کنار رفته؛ چراکه رکن اول آن، (لا اله الا الله) خدشه‌دار شده است.^۳

وی با این نگاه به مصداق‌شناسی و رتبه‌بندی جوامع جاهلی می‌پردازد. طبق نظر سید قطب، جوامع ملحد و کمونیستی، پرچم‌دار جوامع جاهلی هستند. پس از آن نوبت به جوامع بت‌پرست _ که در شرق آسیا نیز یافت می‌شوند _ می‌رسد و پس از آن، جوامع اهل کتاب نیز جاهلی نام می‌گیرند. سید قطب به این موارد، بسنده نکرده و جوامع اسلامی کنونی را نیز تحت عنوان جامعه جاهلی داخل می‌سازد و همین امر، موجب ایجاد انتقادات زیادی علیه او شد.^۴ سید قطب در مقام تحلیل این شمول می‌گوید: این‌که جوامع اسلامی را نیز جاهلی می‌شماریم نه به این دلیل که بگوییم به غیر خدا معتقد هستند؛ بلکه چون در نظام زندگی خویش زیر بار عبودیت خداوند متعال نمی‌روند... و از حاکمیت غیر خدا تبعیت کرده و نظام قوانین و تقالید و ارزش‌ها و تقریباً تمام اصول زندگی خویش را از این حاکمیت، اخذ می‌کنند.^۵

بنابراین معیار جاهلی بودن یک جامعه در اندیشه سید قطب، پیروی از حاکمیت و

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۹.

۳. همان، ص ۸۳.

۴. الهضیبی، حسن، دعاه و لافضاه، ص ۸۰.

۵. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۸۹.

قوانین غیر الهی می‌باشد.

رکن سوم: لزوم حرکت به منظور دگرگونی جوامع جاهلی

سیر اندیشه سید قطب زنجیروار به هم متصل است. او در گام نخست، جامعه کنونی را همسان با جامعه عصر رسول الله ﷺ دانست. در گام دوم، دشمن کنونی را همانند دشمن عصر پیامبر اکرم ﷺ (جاهلیت) خواند و در گام سوم معتقد است، همان‌گونه که مسلمین صدر اسلام در رکاب پیامبر ﷺ به قصد مقابله و دگرگونی جامعه حرکت کردند، در زمان حاضر نیز ما موظف به دگرگونی و مقابله با جوامع جاهلی هستیم. او پیشرفت اسلام امروز را در گرو الگوگیری از مسیر پیشرفت اسلام دیروز می‌داند.^۱

به عقیده وی، اولین قدم در مسیر مبارزه این است که ابتدائاً خود را از تمام پیرایه‌های جاهلی که ما را احاطه کرده برهانیم و به همان سرچشمه ناب (قرآن) که نسل الگو از آن سیراب شده بازگردیم.^۲ این گروه پیراسته‌شده، همان گروه پیشتاز هستند که قیام را آغاز خواهند کرد. در گام دوم باید به ضرورت قیام علیه جاهلیت و بازپس‌گیری حکومت غضب‌شده الهی توجه کنیم. قطب در سلسله مقاله‌های خویش که با عنوان کتاب ما چه می‌گوییم به چاپ رسیده می‌گوید: «اصولاً اسلام در اساس و جوهر خود، جنبش آزادی‌بخش است. جنبشی که نخست دل افراد و سپس اجتماعات بشری را اصلاح و آزاد می‌سازد».^۳

سید قطب، اسلام را اعلانی عمومی مبنی بر آزادسازی زمین و انسان از سلطه و عبودیت خلق شمرده و بازپس‌گیری حاکمیت غضب‌شده خداوند را یک وظیفه همگانی می‌داند.^۴ او اسلام را دین گوشه‌نشینی نمی‌داند؛ بلکه مکتبی می‌داند که باید در سطح جوامع اجرا شده تا مفید واقع شود. اسلام تنها با حکومت کردن می‌تواند عامل نجات باشد.^۵

همان‌گونه که گفته شد، تشکیل حکومت اسلامی و تسلیم در مقابل قوانین شرع،

۱. قطب، سید، ما چه می‌گوییم، ص ۵۳.

۲. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۱۹.

۳. قطب، سید، ما چه می‌گوییم، ص ۳۸.

۴. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۵۹.

۵. قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۶۵.



هدف اصلی قیام علیه جاهلیت است. تبیین ماهیت حکومت اسلامی و فروعات مربوط به آن در اندیشه سید قطب، امری ضروری می‌باشد. حکومت دینی تنها این نیست که عده‌ای با عنوان حاکم الهی _ همان‌گونه که در قرون وسطی شاهد بودیم _ بر انسان‌ها حکومت کنند؛ بلکه حکومت الهی، تنها با اختصاص تشریح و قانون‌گذاری به خداوند متعال و اجرای شریعت الهی معنا می‌پذیرد.^۱

غایت تشکیل حکومت اسلامی در بیان سید قطب از این قرار است:

ما می‌خواهیم جامعه‌ای به‌وجود آید که اساس آن بر تکافل و تعاون اجتماعی، به مفهوم عام و کامل آن، استوار شود به طوری که در چنین جامعه‌ای، گرسنه و تشنه‌ای وجود نداشته باشد که در قبال آن گروهی از ثروت زیاد بهره‌مند شوند.^۲

همچنین از دیگر ثمرات تشکیل حکومت دینی می‌توان از ایجاد عدالت اجتماعی و مساوات، آزادی عقیده و نفی قومیت‌گرایی نام برد.^۳

اما سؤال مهم در خصوص حکومت اسلامی، چگونگی انتخاب حاکم اسلامی است. همان‌گونه که در مطالب پیشین مطرح شد، از نظر سید قطب، با صرف ادعای حکومت اسلامی، حاکمیت الله تحقق نمی‌یابد و حاکم، تنها با ادعای اجرای دستورات الهی نمی‌تواند حکومت را به‌دست گیرد؛ بلکه موظف است فقط به اجرای شریعت الهی بپردازد و از این مسیر خارج نشود که خود در زمره طاغوت قرار می‌گیرد.^۴

قطب عقیده دارد برای پی‌بردن به چگونگی انتخاب حاکم در جامعه اسلامی باید به نسل الگو و صدر اسلام رجوع کنیم. وی به وقایع آخر عمر شریف رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره و بیان می‌کند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ _ بنا به نگرش اهل سنت _ در انتخاب خلیفه پس از خود، هیچ تصریحی نداشته و این عدم تبیین و تصریح، نشان از واگذاری انتخاب حاکم بر امت اسلامی می‌باشد. در وقایع پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر خلافت بر عهده شورای مسلمانان گذاشته شد و امت اسلامی نیز با بیعت خویش بر آن صحه گذاشت. این بررسی سریع (تاریخ خلافت صدر اسلام)، نظریه اسلام را در مسئله حکومت بر ما

۱. همان، ص ۶۰.

۲. قطب، سید، ما چه می‌گوییم، ص ۳۰.

۳. علیخانی، علی‌اکبر، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۱۴، ص ۳۶۱.

۴. قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۱۹۹.

روشن می‌کند و آن اینکه اختیار و انتخاب مطلق مسلمانان تنها عامل پی‌ریزی حکومت است.^۱ به‌صورت خلاصه، حاکم جامعه اسلامی تنها مُجری شریعت الهی بوده و انتخاب وی با رأی و نظر مردم صورت می‌گیرد.

پس از روشن شدن مقصود از جامعه و حکومت اسلامی به تبیین شیوه دستیابی به حکومت دینی در اندیشه سید قطب می‌پردازیم. سید قطب عقیده دارد که پس از تشکیل اجتماعی کوچک از مسلمانان آماده، مبارزه با جامعه جاهلی و تشکیل حکومت دینی ضرورت می‌یابد؛ اما این قیام با دو حربه صورت می‌پذیرد که باید به شکل توأمان عملی شوند. اول بیان و روشنگری، دوم جهاد و حرکت نظامی. برای آزادسازی انسان، ناچار به استفاده از این دو سلاح هستیم. با «بیان»، به تصحیح عقیده و با «شمشیر»، به مقابله با حکومت‌های مانع و غاصب می‌پردازیم.^۲

سید قطب، جهاد را امری ضروری در مقابله با جامعه جاهلی می‌داند. او معتقد است حکومت بشری، غصب حکومت خداوند محسوب می‌شود؛ پس باید کنار برود و در صورت مقاومت، درگیری آغاز می‌شود. قطب با نظریه دفاعی بودن جهاد در اسلام به شدت مقابله کرده و حرکت را حق اسلام می‌داند و معتقد است به دلیل همین استحقاق است که اسلام با مخالفینش به شدت مقابله می‌کند.^۳ سید قطب به مرور زمان و با گذر از تألیفات اولیه خویش، موضع‌گیری‌های تندتری را در مسئله جهاد مطرح می‌کند. او با نگاهی سخت‌گیرانه، جهاد را مختص زمان تحمیل جنگ یا حتی فتنه‌گری از سوی طرف مقابل ندانسته و معتقد است، قبول نکردن اسلام یا جزیه، دلیل روشنی بر این است که طرف مقابل اصرار دارد بین اسلام و افکار مردم، مانع ایجاد کند. در این صورت، لازم است که این اصرار مادی با نیروی مادی از بین برود؛ زیرا این تنها و آخرین راه است.^۴ وی در کتاب معالم فی الطریق در قالب تقسیمی ثنائی تصریح می‌کند چیزی تحت عنوان دارالهدنه وجود ندارد و آنچه موجود است یا دارالاسلام می‌باشد که

۱. همان، ۳۵۰.

۲. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۷۷.

۴. قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۳۳۴.





حکومت الهی به شکل کامل در آن اجرا می‌شود یا دارالحرب.^۱

در زمینه صلح معتقد است: «صلح به این معنا نیست که یک سرزمین اسلامی در امنیت باشد؛ بلکه اسلام، خواهان صلحی است که در پرتو آن، تمام دین برای خدا باشد و به بیان دیگر، عبودیت مردمان، به خداوند اختصاص داده شود»؛^۲ پس صلح بین حکومت‌های مختلف با افکار گوناگون مورد قبول قطب نیست و او تنها همزیستی افراد، تحت یک حکومت و آن هم اسلامی را صلح می‌داند.

به صورت خلاصه، نظر سید قطب این است که ما موظف به تغییر جامعه جاهلی، نابودی حکومت‌های بشری و آزادسازی انسان‌ها و همچنین تشکیل جامعه اسلامی و حکومت الهی هستیم. این دگرگونی و انقلاب با دو شیوه سیف (حرکت نظامی) و تبیین (روشنگری) به نحو توأمان صورت می‌پذیرد نه صرف روشنگری بدون حرکت جهادی.^۳ تنها در صورتی این حرکت‌های نظامی پایان می‌یابند که جوامع جاهلی یا مسلمان شده یا در مقابل اسلام، سر تسلیم فرود آورند.

محور دوم: نقد گفتمان سید قطب

پس از تبیین تفکرات سید قطب در قالب سه رکن اصلی، به نقد ارکان اندیشه او می‌پردازیم.

نقد رکن اول (نسل الگو)

سید قطب با ترسیم نمایی کلی از نسل اولیة مسلمانان به تحسین آنان پرداخته و سیر تفکرات خویش را با الگوگیری از آن جریان، نظم بخشیده است. قطب با توجه به همین اعتقاد، فصل اول کتاب معالم فی الطريق را که به اوصاف همین نسل می‌پردازد، (جیل قرآنی فرید) به معنای نسل بی نظیر قرآنی نام نهاد و معتقد است، الگوی حرکت جامعه اسلامی باید همان نسل اولیة ممتاز باشد.

در نقد این رکن از تفکرات سید قطب باید گفت: متأسفانه، همان‌گونه که در آثار وی

۱. قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان.

مشهود است، علاوه بر تطور فراوان اندیشه،^۱ دچار جزم‌اندیشی و کلی‌نگری مفرط نیز بوده است و ادعاهای خود را اکثراً به نحو موجبه کلیه و سالبه کلیه، مطرح می‌کند. در این موضوع نیز نسل اولیه را بنا به نگرش سلفیه^۲ به نحو موجبه کلیه تحسین کرده و قول و فعل آنان را به نحو مطلق، حجیت بخشیده و الگوگیری از آنان را ضروری می‌داند.

ضمن قبول این ادعا - به نحو موجبه جزئیه - و اذعان به حضور اصحاب عظیم الشان و همچنین شهدای بزرگ و رزمندگان ایثارگر در میان امت مسلمان صدر اسلام، نباید از این مطلب غافل شد که تمام مسلمانان و اصحاب، قابلیت الگوگیری را نداشتند و عملکرد تمامی آنها برای ما حجت نیست. بهترین شیوه در الگوگیری، پیروی از تئوری اسلام یعنی همان قرآن و سنت قطعیه می‌باشد نه تبعیت از افراد و مسلمانان؛ چراکه در موارد فراوانی دیده شده اشتباهات مختلفی از اصحاب و نسل اولیه مسلمانان سر زده است. از جمله سرپیچی مسلمانان از دستور رسول الله ﷺ در جنگ احد و بی‌وفایی آنان. «[یاد کنید] هنگامی را که در حال گریز [از کوه] بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید و پیامبر، شما را از پشت سرتان فرامی‌خواند. پس [خداوند] به سزای [این بی‌انضباطی] غمی بر غمتان [افزود]». ^۳ آیات نفاق که در شأن برخی از مسلمان، نمایان نازل شد: «اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند». ^۴ بی‌احترامی برخی مسلمانان به رسول اکرم ﷺ در هنگام قرائت خطبه نماز جمعه و تعلق آنان به امور مادی «و چون دادوستد یا سرگرمی ببینند، به سوی آن روی آور می‌شوند و تو را درحالی که ایستاده‌ای

۱. برای درک این مطلب باید به سیر حیات فکری او نگاهی انداخت که از دوره تشکیک دینی و ادبی نویسی (۱۹۳۵ تا ۱۹۲۵) به سکولاریسم اسلامی (۱۹۴۶ تا ۱۹۳۵) و از آنجا به اسلام‌گرایی معتدل (۱۹۵۶ تا ۱۹۴۶) روی می‌آورد و در نهایت با هیبت یک اسلام‌گرای رادیکال (۱۹۶۶ تا ۱۹۵۶) ازدنیا می‌رود. از مقاله‌ها، تألیفات و عضویت‌ها و ارتباطات او با اشخاص گوناگون این طور به دست می‌آید که سید قطب یک سیر تطور چهارمرحله‌ای را در دوره زندگی خویش گذرانده. (مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، فصلنامه علوم سیاسی، ش. ۲۱، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵).

۲. ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۱۰؛ عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۱۶۲.

۳. «إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُؤُونَ عَلٰیٰ اٰخِذِ الرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ فِيْ اٰخِرَاكُمْ». (آل عمران، ۱۵۳).

۴. «لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ فِيْهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيْهَا اِلَّا قَلِيْلًا». (احزاب، ۶۰).



ترک می‌کنند»؛^۱ ارتداد برخی صحابه پس از رحلت رسول اکرم ﷺ؛^۲ قتل مالک بن نویره، صحابی جلیل‌القدر رسول اکرم ﷺ و همبستری با همسر او توسط خالد بن ولید؛^۳ خروج بر امام عادل و خلیفه وقت در جنگ جمل^۴ و همچنین جنگ‌های پس از رسول اکرم ﷺ که بین صحابه و نسل اولیه مسلمانان صورت پذیرفت و موجب ریختن خون هزاران مسلمان شد.^۵ این موارد، تنها نمونه‌هایی از اشتباهات آن نسل ممتاز بود که نشان می‌دهد جامعه اولیه مسلمانان_ به نحو موجبه کلیه_ نمی‌تواند الگوی تام و کاملی از جامعه اسلامی باشد.

نقد رکن دوم (تقسیم جوامع به اسلامی و جاهلی)

یکی از مهم‌ترین ارکان اندیشه سید قطب که موجب پیدایش بحث‌های متعدد و گاهی موضع‌گیری‌های تند شده است، عقیده به تقسیم جوامع به دو دسته اسلامی و جاهلی است. قطب، تمام جوامع موجود را جاهلی نام نهاده و لزوم مبارزه و تغییر آنها را یادآور می‌شود.

نگاه کلی نگر و صفر و صدی قطب در تمییز بین جوامع جاهلی و اسلامی^۶ و مضیق‌ساختن دایره جوامع اسلامی در مقابل شمول گسترده مفهوم جاهلیت و جوامع جاهلی، ما را به وقایع صدر اسلام و تفکرات گروه‌های رادیکال و تندرو همچون خوارج منتقل می‌کند. آنان که معتقد بودند، ایمان آدمی با ارتکاب گناه کبیره زائل شده، از دین خارج و تکفیر می‌شود.^۷

ابهام‌گویی قطب در تبیین جاهلیت، موجب برداشت‌های نادرست از کلام وی شده است. او در کتاب معالم، تعریف روشنی از جاهلیت ارائه نکرده و مشخص نمی‌کند آیا مقصودش تکفیر است یا خیر؟ از سیاق کلام او و از کنار هم قراردادن جوامع آتئیستی،

۱. «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا». (جمعه، ۱۱).

۲. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۱۹.

۳. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۵، ص ۵۶۱.

۴. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۱۲.

۵. الاسدی، سیف بن عمر، الفتنه و وقعه الجمل، ص ۱۷۹.

۶. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۸۳.

۷. بغدادی، عبدالقاهر، الملل و النحل، ص ۵۸؛ سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، ج ۵، ص ۴۴۴.

کمونیستی، اهل کتاب و مسلمانان، تحت عنوان جاهلیت، رنگ و بوی تکفیر به مشام می‌رسد.^۱ در ادبیات قرآنی نیز، لفظ جاهلیت، دوران کفر و پیش از اسلام را ترسیم می‌کند.^۲ لذا اطلاق جاهلیت بر جوامع اسلامی بدون ذکر توضیح و تبیین کافی، سبب برداشت غلط و تکفیر مسلمانان را فراهم می‌آورد؛ درحالی‌که نص صریح آیات و روایات، مخالف گسترش مصادیق جاهلیت به مسلمانان و تکفیر آنان است.^۳

سید قطب با همان نگاه سخت‌گیرانه و کلی‌نگر، تمام رسومات کنونی بشر و اعتقادات ملل را به نحو سالبه کلیه رد کرده و جاهلی می‌خواند.^۴ این نگاه کلی و سلب تام تمام اعتقادات و ارزش‌های کنونی بشر نه با سیره عقلا سازگار است و نه حتی با قوانین اسلام؛ چراکه نمی‌توان تمام فرهنگ‌ها و ارزش‌ها را به اتهام اینکه در جامعه غیر اسلامی رشد و نمو داشته، کنار بگذاریم. دلیل این امر نیز احکام امضائی اسلام است. احکامی که در زمان جاهلیت، رواج داشت و با ورود اسلام، به دلیل عدم تعارض با قوانین شرع، تأیید و امضا شدند.^۵ مانند اشهر حُرْم و بسیاری از احکام مربوط به بیع و شراء و نکاح.^۶ اساساً تفاوت نگاه ما و سید قطب به مفهوم جاهلیت باز می‌گردد. قطب معتقد است هرآنچه از اسلام نباشد جاهلیت است؛ درحالی‌که به دلایل مذکور، صحیح این است که بگوییم، هرآنچه مخالف اسلام است از جاهلیت می‌باشد. به بیان دیگر، اختلاف دو دیدگاه در لزوم موافقت و عدم مخالفت می‌باشد. با اکتفا به عدم مخالفت، لزومی ندارد فرهنگ بشری و ارزش‌ها و قوانین اجتماعی موجود در اقصی نقاط عالم را جاهلی و مذموم بخوانیم.

سید قطب در تعریف جامعه اسلامی می‌گوید: «جامعه اسلامی جامعه‌ای است که عبودیت خداوند در اعتقادات و بینش افراد و نیز در شعائر و عبادات و نظام اجتماعی

۱. البته همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، این مطلب به این معنا نیست که الزاماً سید قطب همچون خوارج، قائل به تکفیر مسلمین بوده است.

۲. احزاب، ۳۳.

۳. مانند، ۹۴.

۴. «نحن اليوم في جاهلية كالجاهلية التي عاصرها الاسلام او اظلم. كل ما حولنا جاهلية... تصورات الناس و عقاندهم عاداتهم و تقالیدهم موارد ثقافتهم فنونهم و آدابهم شراعتهم و قوانینهم». (قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۱۹).

۵. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، ص ۶.

۶. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۵۶۱.

و قوانین آنها تجسم پیدا می کند»؛ سپس ادامه می دهد: «وایما جانب من هذه الجوانب تخلف عن الوجود فقد تخلف الاسلام نفسه عن الوجود. لتخلف ركنه الاول وهو شهادة أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله»^۱؛ با کناررفتن عبودیت از هریک از جوانب مذکور، اسلام کنار می رود؛ چراکه رکن اسلام که شهادت به خدا و رسول ﷺ است لطمه دیده. سؤالی که باید از قطب پرسید، این است که با توجه به تعریف مذکور از جامعه اسلامی، اساساً چه زمانی می توان ادعا داشت که عبودیت خداوند در تمام شئون زندگی بشری اعم از قانون گذاری، عبادات، نظام اجتماعی و... اجرا شده؟ چه دوره ای از ادوار تاریخ حکومت های اسلامی نمایانگر چنین آرمان شهری بوده است؟ با این عقیده بدون دلیل، جوامع و حکومت های صدر اسلام که از نظر قطب به عنوان جوامع الگو معرفی می شوند، نیز اسلامی نیستند؛ چراکه در آن زمان هم عبودیت الهی در تمام شئون زندگی مسلمین جاری نشد.

به صورت کلی دیدگاه یک جانبه نگرانه و آرمان گرایانه به امت اسلامی، موجب مضیق سازی دایره شمول اسلام می شود و متأسفانه همین مسئله، پس از قطب، زمینه رشد جریان های تکفیری را فراهم کرد. گروه هایی که مخالفین خود را حتی اگر از میان امت اسلامی باشند نیز به جرم خروج از دایره اسلام، کافر خوانده و خونشان را هدر می دانند.

نقد رکن سوم (لزوم مقابله با جوامع جاهلی و دگرگونی آنها)

سید قطب پس از تقسیم جوامع به دو دسته اسلامی و جاهلی، در گام پایانی بر لزوم دگرگون سازی جوامع جاهلی پرداخته و از صدور اسلام و تشکیل جوامع اسلامی در سرتاسر زمین سخن می گوید.

شاید بتوان این عقیده را گام اولیه در شروع حرکت های جهادی دانست. جریان هایی که حرکت خویش را با شعار آزادسازی انسان از سلطه حاکمان بشری و انتقال به بندگی تحت حکومت خداوند آغاز می کنند. قطب، رسیدن به این مطلوب را با کمک دو شیوه، ممکن می داند که باید به نحو توأمان و هماهنگ اجرا شوند: اول تبیین و روشنگری، دوم

۱. قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۸۳.

جهاد و حرکت‌های نظامی برای مقابله با حکومت‌ها.^۱

انتقاد اساسی که به بسیاری از ادعاهای سید قطب و طرح‌ریزی‌های او وارد می‌شود، این است که بسیاری از ایده‌ها و نظرات سید قطب فقط در مقام تئوری، قابل طرح است؛ اما در مقام عمل نه تنها قابل اجرا نیست؛ چه بسا مضر و مخرب نیز می‌باشد. او در مانیفست حرکت‌های جهادی، تنها به ادعای لزوم آزادسازی انسان، بسنده می‌کند و هیچ طرح و برنامه‌ای برای اجرای آن در دست ندارد و تنها به روشنگری و جهاد سفارش می‌کند. حال در مقام عمل اگر لشکری از مجاهدین، مجهز شده و به جنگ با حکومت‌ها با ادعای آزادسازی بشریت بروند، آیا جوامع بشری به مقابله با آنها بر نمی‌خیزند؟ مگر غیر از این است که اکثر حکومت‌های کنونی برخاسته از دل جوامع و از همین مردم هستند؟ آیا مردم در صورت دفاع از حکومت‌هایشان، توسط گروه‌های جهادی و به جرم دفاع از حکومت باطل و غاصب، به خاک و خون کشیده نمی‌شوند؟ آیا این چیزی غیر از یک حرکت تروریستی است که اکنون در گوشه و کنار خاورمیانه شاهد آن هستیم؟ حتی اگر ادعای اسارت بشر را نیز بپذیریم، باید توجه داشته باشیم، مادامی که انسان، خود را اسیر نداند، نیازی به آزادی‌بخشی ندارد و هر حرکت آزادی‌بخش را نیز حرکتی مزاحم دیده و با آن برخورد می‌کند. اگر گفته شود که سید قطب، معتقد به روشنگری مردم است در جواب می‌گوییم او معتقد به حرکت روشنگرانه و جهادی به شکل توأمان است.^۲ در حالی که ضعف تفکر در همین جاست. حرکت نظامی هیچ‌گاه نباید دوشادوش حرکت فرهنگی انجام شود. حرکت نظامی تنها به‌عنوان راه چاره و پس از آمادگی و درخواست ملت‌ها علیه حکومت‌های جور و ستمگر اعمال می‌شود. اینکه جهاد، راه اصلی ایجاد حکومت اسلامی دانسته شود، شیوه‌ای غلط و مضر به اصل تبلیغ و صدور اسلام است. به شهادت قرآن، حرکت نظامی برای آزادسازی انسان‌ها، فرع بر بینش کامل و درخواست جامعه هدف می‌باشد.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنَ

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان.

لَذُنُكَ وَليًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَذُنِكَ نَصِيرًا^۱؛

و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.

سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبلیغ اسلام و تشکیل حکومت در مدینه و همچنین حذر نمودن از جنگ مگر در هنگام ضرورت، خود گویای این اصل مهم است.^۲ یکی از انتقادات جدی به تفکرات سید قطب، بی‌توجهی او به سیره سیاسی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.

آمادگی امت‌ها و جوامع برای اجرای حکومت دینی، مسئله‌ای است که غفلت از آن در آثار سید قطب به‌وضوح مشاهده می‌شود. سید قطب در مقام تبیین زیبایی‌های نظام اسلامی معتقد است در راه دعوت به اسلام، هیچ احتیاجی به تبیین زیبایی‌های نظام اسلامی نیست و قدم اول، کنار نهادن غیر از اسلام و سپس پذیرش اسلام به نحو کلی است. او این مسئله را از بدیهیات ایمان می‌شمرد که اگر از همان ابتدا شخص به اسلام علاقه‌مند شد، کار تمام است و احتیاجی به نمایش زیبایی‌های نظام اسلام نیست.^۳ اگر نگاه سید قطب به تبیین اسلام و روشن ساختن جوامع درباره اسلام این است، نباید تعجب کرد که چرا افکار او ملعبه دست اسلام‌گرایان رادیکال شده است. سؤال ما اینجاست که اگر شخصی مؤمن به برتری اسلام است که دیگر نیازی به دعوت نیست، اگر هم مؤمن و علاقه‌مند نیست، در صورت عدم تبیین زیبایی‌های این مکتب و نظام، به چه چیز باید معتقد و علاقه‌مند شود؟ آیا رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در ابتدای شروع تبلیغ، هیچ از زیبایی‌های این مکتب نگفت؟ در صورت عدم شناخت از زیبایی‌های یک مکتب، در میان انبوه مکاتب در عصر کنونی، چگونه می‌توان به برتری آن اذعان داشت؟ برخی ثمرات تشکیل حکومت اسلامی از نگاه قطب عبارت‌اند از: تکافل، مساوات در حقوق و جلوگیری از ظلم و فقر و گرسنگی و اجرای عدالت و نفی تبعیض و

۱. نساء، ۷۵.

۲. صفایی حائری، عباس، تاریخ پیامبر اسلام، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳. قطب، سید، معالم فی الطریق، ص ۳۶.

قومیت‌گرایی و... دو نقد به این غایت‌نگاری سید قطب بر حکومت اسلامی وارد است: اول اینکه در اینجا نیز شکل اجرایی این ثمرات، تبیین نمی‌شود و تنها به بیان آمل و آرزوهای قابل‌توقع از حکومت اسلامی بسنده شده و تنها یک آرمان‌شهر از جامعه اسلامی ترسیم می‌شود و انتظار می‌رود که مردم دنیا با شنیدن و ترسیم این آرمان‌شهر به آن علاقه‌مند شده و تسلیم حکومت اسلامی شوند. این بدیهی است که ترسیم یک مدینه فاضله بدون ارائه راهکار مناسب و همچنین نمونه عملی، هیچ‌کس را به تن دادن به آن ترغیب نخواهد کرد. نقد دوم اینکه: توقعات موجود و ثمرات ادعایی درباره حکومت اسلامی، اختصاص به این شکل از حکومت ندارد. حکومت‌های سلطنتی، دموکراتیک، سوسیالیستی و کمونیستی نیز ادعای تشکیل چنین آرمان‌شهری دارند. حتی خوارج صدر اسلام نیز تشکیل حکومتی دینی را مدنظر داشتند که فقیر و غنی در آن یکسان بوده و افراد در این جامعه از حقوق مساوی برخوردار باشند.^۱ این نگاه و درخواست از حکومت اسلامی، نگاهی حداقلی به آن می‌باشد که در حکومت‌های بشری نیز با کمی تلاش می‌شود بدان دست یافت.

سید قطب با ادعای ایجاد حکومتی که عبودیت خداوند در نظام قانون‌گذاری، اجتماعی، اخلاقی و ارزش‌ها و فرهنگ آن نمایان باشد به تشویق گروه‌های پیش‌تاز برای تخریب جوامع موجود و سرکشی علیه آنان می‌پردازد. با توجه به تعریف او از جامعه جاهلیت و گستردگی مصادیق آن، سید قطب مسلمانان را به شورشی همه‌جانبه علیه حکومت‌های موجود در سراسر عالم دعوت می‌کند.^۲ مبهم‌گویی و طراحی ناقص سید قطب در ایجاد و پیشبرد جوامع اسلامی و همچنین تبیین ناصحیح مسیر و شیوه وصول به حکومت اسلامی، موجب پیدایش گروه‌های افراطی و رادیکال پس از دوره سید قطب شد که با استفاده از بیان کلی و مبهم او و همچنین مصداق‌گذاری غلط آن گروه‌ها درباره جوامع جاهلی، سبب شد، تفکر اصلاح‌طلبی به جریان تروریستی - تکفیری بدل شده که در قالب جهاد، به تکفیر و کشتار جوامع مختلف اعم از اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازند. این مسئله، قابل‌اغماض نیست که سید قطب، تنها آغازگر جنبش به‌ظاهر

۱. احسانبخش، صادق، خوارج و علل پیدایش آنان، ج ۲، ص ۲۶.

۲. قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۵۹.

اصلاح طلب بود؛ اما هیچ‌گاه نتوانست کنترل‌کننده و پایان‌بخش آن و نتایج مخربش باشد.

در باب چگونگی انتخاب حاکم در جامعه اسلامی نیز شاهد برداشت سطحی از سوی قطب می‌باشیم. او در کتاب عدالت اجتماعی در اسلام به تبیین جایگاه حاکم جامعه اسلامی می‌پردازد و تأکید دارد آنچه مهم است، اجرای قانون اسلام بوده و شخص حاکم، موضوعیتی ندارد؛^۱ سپس با اشاره به قضایای صدر اسلام اذعان می‌دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از خویش جانشینی تعیین نکرد؛ چراکه هیچ تصریحی بر این امر در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یافت نمی‌شود؛ لذا انتخاب حاکم به مردم و بیعت آنان واگذار شده بود. این بررسی سریع، (تاریخ خلافت صدر اسلام) نظریه اسلامی را در مسئله حکومت بر ما روشن می‌سازد و آن اینکه اختیار و انتخاب مطلق مسلمانان تنها عامل پی‌ریزی حکومت است.^۲ به استنتاج سید قطب انتقاداتی وارد می‌شود. اولاً:

سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مملو از سفارش‌های صریح، مبنی بر جانشینی امام علی علیه السلام می‌باشد. حدیث ثقلین،^۳ حدیث غدیر^۴ و حدیث منزلت؛^۵

ثانیاً: در صورت اراده رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر واگذاری انتخاب خلیفه به مردم نیز ما محتاج ورود نص و تصریحی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر این قضیه بودیم؛ در حالی که هیچ نصی مبنی بر تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این موضوع در دست نیست؛

ثالثاً: چگونه می‌توان ادعا نمود که شخص حاکم در حکومت اسلامی موضوعیتی ندارد و آنچه مهم است، اجرای قوانین اسلام است؛ در حالی که در ادوار متعدد تاریخی، شاهد هستیم حاکمانی با ادعای اجرای قوانین الهی به تشکیل حکومت پرداخته و به مرور زمان به دیکتاتورهایی با نقاب دین مبدل گشتند.

حاکمیت کلیسا در قرون وسطی در مسیحیت^۶ و همچنین سلسله امویان و عباسیان

۱. قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۳۵۴.

۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۸۷۳.

۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳.

۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۹.

۶. فراشاهی، محمدرضا، مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، ص ۶۹؛ پروین، خیرالله؛ نورانی، محمد، «نقدی بر پروتستانیسیم از حکومت دینی قرون وسطی تا جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی دولت اسلامی، ش ۲،

در اسلام^۱ مصادیق بارز این جریان هستند. سید قطب خود در کتاب عدالت اجتماعی دودمان بنی امیه را ضربه کاری و دردناک بر پیکره اسلام می‌داند. این ضربه کاری، ثمره عقیده تشکیل حکومت الهی بدون توجه به حاکم آن است.

تبیین نشدن صحیح و کامل از حکومت اسلامی و همچنین حاکم اسلامی موجب ایجاد هرج و مرج و از دست رفتن ثمرات قیام می‌شود. همان‌گونه که در مصر، پس از ترور بی‌برنامه انور سادات توسط اسلامبولی، حکومت در دست دیکتاتور دیگری اسیر شد و همچنین پس از دوره بیداری اسلامی در کشورهای عربی از جمله مصر، فقدان رهبری مشروع در حکومت اسلامی و بی‌توجهی به آن و اکتفا به ایجاد حکومت، موجب از بین رفتن ثمرات این قیام‌ها و چه بسا مضر واقع شدن به حال اسلام و مسلمانان گردید و نتیجه باز هم به یغما رفتن ثمره تلاش‌ها و خون‌های ریخته شده بر پای آرمان‌ها بود. به تفکرات سید قطب در موضوعات مختلف از جمله تقسیم بلاد به دارالاسلام و دارالحرب و همچنین نبود صلح بین حکومت‌های اسلامی و غیر اسلامی نیز انتقادات عدیده‌ای وارد است که در این مبحث نمی‌گنجد.

راهکار قرآنی زمینه‌سازی ایجاد حکومت دینی

اصل حکومت، امری حیاتی برای اجتماعات بشری می‌باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ به شعار انحرافی خوارج (لاحکم الا لله) می‌فرمایند:

این شعار، سخن حقی است که از آن اراده باطل شده. آری حکمی غیر از حکم خدا نیست؛ لکن خوارج می‌گویند: امارت و زمامداری، مخصوص خداست و حال آنکه ناچار باید برای مردم امیری نیکوکار یا فاجر باشد تا در سایه حکومتش هرکس به حق خویش برسد...^۲

یکی از اهداف ارسال رُسل نیز در قرآن امر به اقامه قسط و اجرای حکم دانسته شده است.^۳ اسلام معتقد به حاکمیت الله بر مردم است و ایجاد حکومت دینی بر مبنای تعالیم الهی، تنها مسیر وصول به حاکمیت الله می‌باشد؛ لذا اسلام تمام اشکال

۱۳۹۱ش، ص ۱۰۷.

۱. جعفریان، رسول، تاریخ خلفاء، ص ۷۷۸.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۳. حدید، ۲۵.



حکومتی کنونی اعم از سلطنتی و غیر آن را شعبه‌ای از طاغوت دانسته و به رسمیت نمی‌شناسد.^۱ از منظر آیات قرآن، حاکمیت، تنها اختصاص به خداوند متعال دارد و حاکمانِ جوامع نیز باید از طرف خداوند منصوب شوند.^۲

همان‌گونه که در آثار سید قطب به آن اشاره شد، اسلام، دین گوشه‌نشین و عبودیت فردی نیست و تنها با اجرای آن در بستر جامعه، حاکمیت دین نمایان می‌شود. همچنین توجه به تأثیر حکومت بر زندگی مادی و معنوی مردم، ضرورت ایجاد حکومت دینی را آشکارتر می‌سازد.^۳ هدف اولیه در حکومت دینی که تفاوت اصلی با دیگر اشکال حکومتی را دربر دارد، تمرکز بر معنویت و رشد فکری و روحی آدمی است.^۴ عدالت، مساوات، تعاون، تکافل و رفاه و... در سایه همین عبودیت، قابل دستیابی است.

تا به اینجا در اصل ضرورت ایجاد حکومت دینی با سید قطب توافق نظر داشته و بر آن تأکید می‌کنیم؛ اما اختلاف نظر در شیوه ایجاد و نیل به حکومت دینی است.

در اندیشه قرآنی و بر اساس آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۵ در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. زمینه شکل‌گیری جامعه دینی و حکومت اسلامی از دل آحاد افراد جامعه نشأت می‌گیرد و این انقلاب درونی افراد است که منجر به انقلاب فرهنگی و آمادگی برپایی حکومت دینی می‌شود. ریشه تغییر جامعه، تغییر افراد است؛ پس برای وصول به یک جامعه دینی، باید اندیشه دینی را در میان افراد آن جامعه پایه‌ریزی کنیم. بدون آمادگی و خواست افراد، هیچ‌گونه جامعه دینی و به تبع هیچ حکومت دینی شکل نخواهد گرفت و هرگونه القای حکومت اسلامی از بیرون پس زده می‌شود. علی صفایی حائری در کتاب درس‌هایی از

۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، الحکومه الاسلامیه، ص ۶۱.

۲. «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». (ص، ۳۵)؛ ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾. (مانده، ۵۵)؛ ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾. (نساء، ۶۰)

۳. حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ص ۲۰۸.

۴. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاقِقُونَ﴾. (نور، ۵۵)؛ (شریف‌رضی، نهج‌البلغه، خطبه ۱۳۱).

۵. رعد، ۱۱.

انقلاب می نویسد:

این قرآن است که می گوید هر دگرگونی در قوم و جامعه، وابسته به دگرگون کردن ترکیب‌هایی است که در خویش دارد... مادام که انسان دگرگون نشود جامعه دگرگون نخواهد شد. با این بینش، جامعه، یک کل نیست که فرد را پرورد؛ بلکه فرد یک کلیت است و ترکیب خاص انسان، اصل پایه است و عناصر دیگر هرکدام جزئی از این کلیت هستند.^۱

می توان نتیجه گرفت که راه وصول به حکومت دینی، از انسان‌سازی می‌گذرد، نه اینکه ابتدائاً به شکل مقابله سخت با حکومت‌های طاغوتی باشد.

در اندیشه دینی، تمام مراحل آماده‌سازی جامعه از دگرگونی افراد و سپس انقلاب فرهنگی جامعه تا حصول نتیجه و برپایی حکومت اسلامی، همگی توسط رهبری عادل و عالم به قوانین الهی هدایت می‌شود.^۲ نقش رهبری انقلاب همچون نخ تسبیح در تمام این مراحل، جریان داشته و روح جنبش آزادی‌بخش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

می‌توان اندیشه‌های سید قطب را در سه رکن اصلی بیان کرد. رکن اول: توصیف جامعه صدر اسلام به‌عنوان جامعه ممتاز و الگو. شکل منطقی این نظریه که به نحو موجبه کلیه تبیین شده بود، مورد نقد می‌باشد. رکن دوم: تقسیم‌بندی جوامع به اسلامی و جاهلی. به تعریف سید قطب از جاهلیت و همچنین گستردگی مصادیق این تعریف انتقاداتی وارد می‌شود. ضمن اینکه نفی کلی تمام ارزش‌های بشری به اتهام جاهلی بودن نیز مورد تأیید عقلا و شرع نمی‌باشد. ابهام‌گویی سید قطب در این موضوع، باعث سوء برداشت گروه‌های جهادی شده است. رکن سوم: لزوم حرکت گروه پیشتاز مسلمین به‌منظور ایجاد حکومت دینی. وی با تأکید بر جهاد به‌منظور تنها راه مقابله با حکومت‌های مادی، تبیین اندیشه‌های اسلامی برای عموم مردم و به شکل توأمان با حرکت نظامی را نیز لازم می‌داند. در نقد این رکن گفته می‌شود که اصرار بر جهاد بدون تأمین زمینه و آمادگی فکری و فرهنگی جامعه هدف، موجب تخریب چهره اسلام و حکومت دینی

۱. صفایی حائری، علی، درس‌هایی از انقلاب، ص ۹.

۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، الحکومه الاسلامیه، ص ۷۵.

می‌شود. با دقت در آیات سیاسی قرآن به ضرورت زمینه‌سازی حکومت دینی در میان آحاد افراد جامعه پی می‌بریم. در اندیشه قرآنی، انقلاب درونی افراد، ریشه انقلاب فرهنگی جامعه و زمینه ایجاد حکومت دینی می‌باشد. از تتبع در آثار سید و بررسی منصفانه افکار او، آنچه به دست می‌آید، این است که سید قطب در مقام تئوری و نظریه‌پردازی، کاملاً اصلاح‌گرایانه اندیشیده است؛ اما به دلایلی از جمله ابهام در بیان، اشتباه در برخی اندیشه‌های بنیادین دینی و همچنین استراتژی نادرست در اجرای اندیشه‌های دینی، تفکرات وی با سوءاستفاده‌ها و بدفهمی‌هایی از طرف گروه‌های رادیکال پس از او مواجه و موجب انحرافات گسترده‌ای در حرکات جهادی شده است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۴. احسانبخش، صادق، خوارج و علل پیدایش آنان، رشت: جاوید، ۱۳۷۰ش.
۵. الاسدی، سیف بن عمر، الفتنه و وقعه الجمل سیف بن عمر الاسدی، بیروت: دارالنفائس، ۱۹۹۳م.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصرالناصر، دمشق: دارطوق النجاه، ۱۴۲۲ق.
۷. برگن، پیتر، اسامه بن لادن، ترجمه: عباس غفاری فرد، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰ش.
۸. بغدادی، عبدالقاهر، الملل و النحل، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۹۲م.
۹. پروین، خیرالله؛ نورائی، مهدی، «نقدی بر پروتستانیسم اسلامی از حکومت دینی قرون وسطی تا جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی دولت اسلامی، ش ۲، زمستان، ۱۳۹۲ش.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، قاهره: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۱۱. جعفریان، رسول، تاریخ خلفا، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۳. خسروشاهی، سید هادی، «سید قطب و حرکت های تکفیری»، بعثت، ش ۲۰، ۱۳۹۶ش.
۱۴. دکمچیان، هرایر، اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی در جهان عرب، ترجمه: حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۷۷ش.
۱۵. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱ش.
۱۶. شریف رضی، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۷. صاحبی، محمدجواد، جنبش های فکری و دینی در جهان اسلامی معاصر، قم: ادیان، ۱۳۹۶ش.
۱۸. صفایی حائری، عباس، تاریخ پیامبر اسلام، قم: جمکران، ۱۳۹۴ش.
۱۹. صفایی حائری، علی، درس هایی از انقلاب، قم: هجرت، ۱۳۸۰ش.
۲۰. عبدالرحیم، علی، حلف الارهاب تنظیم القاعدة من عبدالله عزّام إلى ایمن الظواهری، قاهره: مرکز المحروسة، ۲۰۰۵م.
۲۱. عسقلانی ابن حجر، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد



- عبدال موجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲۲. علیخانی، علی اکبر، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ش.
۲۳. فراشاهی، محمدرضا، مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۸۵ش.
۲۴. فرمانیان، مهدی، سلفیه از گذشته تا حال، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ش.
۲۵. قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه: سید هادی خسروشاهی؛ محمدعلی، گرامی، قم: نشر مصطفوی، ۱۳۴۶ش.
۲۶. قطب، سید، ما چه می‌گوییم، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۲۷. قطب، سید، معالم فی الطریق، دوحه قطر: المركز العربی للدراسات و الابحاث، ۲۰۰۹م.
۲۸. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۹. محمودیان، محمد، بنیادهای فکری القاعده، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۳۰. مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۱، ۱۳۸۲ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله، الحکومه الاسلامیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
۳۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۴. الهیضی، حسن، دعاه و لالقضاء، قاهره: دارالتوزیع و النشر، ۱۴۰۷ق.